



مقاله لبه ی تیغ

از قدیم گفته اند که مرز بین برد و باخت، به باریکی لبه ی تیغ است و واقعاً هم همین طور است.

یک نفر «نزدیک است» پروژه ای را به راه بیاندازد، دیگری آن را راه اندازی می کند.

یک نفر «چیزی نمانده» که کارش را تکمیل کند، دیگری آن را تکمیل می کند.

یک نفر فرصتی را «می بیند»، دیگری آن را اجرا می کند.

دانش آموزی «کمی» با نمره قبولی فاصله دارد، دانش آموز دیگر قبول می شود و اگرچه تفاوت

نمرات آنها ممکن است کمتر از یک نمره باشد، اما همین، یک دنیا تفاوت دارد!

این تفاوت ها به خاطر لبه ی تیغ است.

در بازی های المپیک ۱۹۷۶، هشت فینالیست در رشته ی دوی صدمتر با هم رقابت می کردند،

اما دونده ای که مدال طلای المپیک را از آن خود کرد فقط یک دهم ثانیه جلوتر از آخرین دونده

ای بود که از خط پایان گذشت.

حالا اگر کسی به بردهای آنها نگاه کند، اینطور به نظر می رسد که دونده ای که مدال طلا را برنده

شد چندین بار بهتر از سرسخت ترین رقیب خود عمل کرده و او را شکست داده است، ولی اگر

دقت کنیم متوجه خواهیم شد که نفر اول به اندازه ی کمتر از ۴٪ نسبت به رقیب خود برتری



مقاله لبه ی تیغ

داشته است.

شاید این باور را داشته باشید که برخی افراد چون به صورت مادرزادی دارای استعداد و هوش فراوانی هستند از نعمات دنیا بیشتر برخوردار می شوند، در صورتی که این عقیده و باور کاملاً اشتباه است. زیرا ما به اندازه ی هرکسی که دیده ایم، می شناسیم یا درباره اش شنیده ایم، توانایی داریم و اگر کسی هوشش بیشتر از ماست کافیست ما کمی بیشتر از او تلاش کنیم تا برنده باشیم، این می شود لبه ی تیغ ما.

هرچه آگاهی شما در رابطه با مفهوم «لبه ی تیغ» بالاتر برود، از نمونه هایی که هر روز در این زمینه مشاهده می کنید بیشتر حیرت زده خواهید شد.

مثلاً دقت کنید چقدر به فروشگاهی که فروشنده ی آن با لبخند و گرمی از شما استقبال می کند وابسته می شوید و در مقابل از فروشگاهی که فروشنده ی آن مردی اخمو و بداخلاق است، گریزان! لبخند فروشنده ی اول لبه ی تیغ او با فروشنده ی دوم است.

وقتی اشخاص در یک مهارتی مقدمات آن را یاد می گیرند، معمولاً پس از مدتی از ادامه ی یادگیری دلسرد می شوند و در همان سطح مقدماتی متوقف می شوند، مطمئناً از آن پس



مقاله لبه ی تیغ

جلوی ترقی آنها گرفته شده و به اصطلاح درجا می زنند. به همین دلیل در هر رشته ای فقط عده ی معدودی یافت می شوند که در کار خود به مرحله ی استادی و تخصص رسیده اند و همین عده ی معدود هستند که از نظر کسب درآمد در حرفه ی خود بسیار بالاتر از دیگران هستند.

لبه تیغ ما چه می تواند باشد؟

اگر روزی یک ساعت به مطالعه در رشته ی انتخابی خود باشید، همین یک ساعت در روز اگر با برنامه ریزی دقیق و انضباط شخصی جدی دنبال شود، در مدت کوتاهی باعث درخشش شما در میان اطرافیان و همکارانتان خواهد شد.

هنگام رانندگی با گوش دادن به نوارهای آموزشی به طور قابل توجهی سطح معلومات خود را می توان افزایش داد و ماشین خود را تبدیل به یک کلاس آموزشی کرد. بنابراین موقعیتی عالی برای ذخیره کردن اطلاعات و برنامه ریزی ذهن ناخودآگاه می باشد. البته می توانید این کار را نکنید و مسیر و وقت تان را در حین رانندگی به بطالت بگذرانید.



مقاله لبه ی تیغ

تمرین، تلاش مداوم، داشتن انضباط شخصی در انجام تمرین های روزانه حتی همان یک ساعت، کارهایی هستند که هرکسی انجام نمی دهد و اگر شما می خواهید همیشه برنده باشید با ایجاد این عادت ها در خود می توانید خودتان را از دیگران متمایز کنید. مطمئن باشید که تفاوت به باریکی لبه ی تیغ است.

ر واقع اگر خوب به این موضوع فکر کنید، متوجه خواهید شد که هیچ رقابتی در میان نیست. زیرا تعداد افراد حاضر در صحنه ی رقابت به قدری کم است که حتی بازندگان، برنده اند! پس برای دستیابی به دانش مورد نیازتان لازم نیست که روز و شب مطالعه کنید. زیرا در اینجا هم فرق میان آگاهی و جهالت ممکن است به باریکی لبه ی تیغ باشد.



مقاله
لَبه ی تیغ



مقاله لبه ی تیغ

آدرس این مقاله:

<http://bplus2020.ir/blade-edge/>

در ادامه بخوانید:

قانون ۷۰٪ چیست؟

<http://bplus2020.ir/70percent/>

مقاله قدرت جادویی چراغی شما

<http://bplus2020.ir/why/>

مقاله شکست؛ چراغ مسیر موفقیت

<http://bplus2020.ir/failure/>